محکمه
تیشه
۶ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم
چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۲۷

ایستگاه پایانی

دادگاه کیفری استان تهران ،این روزها محل رفت و آمد مجرمانی است که به خاطر اتهامات سنگین و برای محاکمه به این دادگاه می آیند. جرایمی که گاهی ارتکاب آنها ،مجرم پای چوبه دار برده و ایستگاه پایانی زندگی آنها خواهد بود. عامل قتل نگهبان شرکت آبفا و مرد جوانی که نامزدش را کشت ،دو قاتلی بودند که هفته گذشته در دادگاه محاکمه شده و سرنوشت های متفاوتی برای‌شان رقم خورد. مرد جوان به خاطر یک لحظه غفلت زندگی خود و دختر جوان را نابود کرد و حمل سلاح از سوی سارق ، باعث قتل نگهبانی شد.

اسلحه دردسرساز

تحقیقات جنایی در پرونده قاتل مرگ نگهبان، از دی ماه سال گذشته و با گزارش قتل نگهبان ۳۵ ساله شرکت آبفای پاکدشت آغاز شد. سارقانی از روی دیوار وارد شرکت شده و پس از شلیک به نگهبان و برداشتن کلیدهایش از آنجا سرقت کردند.

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که پلیس شرق تهران سه سارق را در ساختمانی دستگیر کرده و مشخص شد متهمان به نام‌های یاسین، امیر و میثم سارقان شرکت آبفای پاکدشت هم هستند. میثم در تحقیقات به شلیک مرگبار به نگهبان اعتراف کرد.

با تکمیل تحقیقات پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهمان در شعبه دهم از خود دفاع کردند. در ابتدای این جلسه اولیای دم مقتول برای قاتل درخواست قصاص کردند. پدر مقتول گفت: پسرم ۳۵ سال داشت و مجرد بود. قصد داشت ازدواج کند که این سارقان بی رحمانه او را کشتند. پسرم ۴۰ دقیقه بعد از شلیک زنده بود و اگر او را به بیمارستان می‌رساندند، زنده می‌ماند. حاضر به گذشت نیستم.

در ادامه نماینده آبفا در جایگاه قرار گرفت و گفت: اگر آب داخل مخزن را آلوده می‌کردند، جان میلیون‌ها نفر به خطر می‌افتاد. بعد از این ماجرا و قتل نگهبان، همکاران ما در شرکت ترسیده‌اند. به همین دلیل بسیاری درخواست انتقالی داده‌اند. از قضات درخواست دارم برخورد بازدارنده با این مجرمان داشته باشند تا کسی فکر چنین سرقتی به ذهنش خطور نکند.

در ادامه یاسین در جایگاه قرار گرفت و گفت: ما قصد قتل نداشتیم و فقط می خواستیم لوله بدزدیم. با امیر در حال جمع کردن لوله‌ها بودیم که صدای شلیک آمد. میثم به نگهبان شلیک کرده بود.

رئیس دادگاه: اتهام سرقت را قبول دارید؟

یاسین: سرقت را قبول دارم اما نقشی در قتل نداشتم.

رئیس دادگاه: در تحقیقات گفته‌ای چون نگهبان مقاومت کرد به او شلیک کردیم. بعد کلید را برداشته و سرقت کردیم. این اظهارات را قبول نداری؟

یاسین: در جریان قتل نبودم. فقط صدای شلیک گلوله را شنیدم. نمی‌دانستم میثم اسلحه دارد.

رئیس دادگاه: در تحقیقات گفته‌ای خانه‌ای اجاره کرده و شرکت را زیر نظر داشتیم. این اظهارات را قبول داری؟

یاسین: بله اما در این مدت نگهبان را ندیدیم و نمی‌دانستیم آنجا نگهبان دارد.

امیر هم در تحقیقات گفت: ما برای سرقت به آنجا رفتیم و قرار نبود قتلی رخ دهد. در حال سرقت بودیم که میثم شلیک کرد .

میثم آخرین متهمی بود که در جایگاه قرار گرفت و گفت: من نمی خواستم نگهبان را بکشم. فقط یک تیر به سمتش شلیک کردم. تا زمانی که آنجا بودیم زنده بود و فکر می‌کردم بعد از رفتن ما به بیمارستان منتقل می‌شود و زنده می‌ماند. از مرگ نگهبان ناراحت و پشیمانم .

پس از دفاعیات متهمان، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

یک لحظه خشم یک عمر پشیمانی

رسیدگی به دومین پرونده از ۲۹ بهمن ۹۴ وقتی آغاز شد که مرد زباله‌گردی، تکه‌هایی از بدن یک انسان را در منطقه یوسف‌آباد پیدا کرد. با حضور پلیس مشخص شد دو دست و دو پای مثله شده یک دختر جوان داخل کیسه‌های زباله انداخته شده است. همزمان با کشف جسد، زن میانسالی به اداره آگاهی رفت و از ناپدید شدن دخترش، مهناز خبر داد. نمونه DNA او با نمونه جسد بررسی و مشخص شد جسد ناشناس، همان مهناز است. ماموران تحقیقات را روی خانواده و نزدیکان مقتول و به خصوص نامزدش، خسرو متمرکز کردند. چند روز بعد مشخص شد خسرو در آخرین نقطه ناپدید شدن مهناز با او تماس داشته است. او بازداشت شد و در بازجویی‌ها گفت: «صبح با مهناز بودیم که یکدفعه چهار نفر به ما حمله کردند و بعد از خفه کردن مهناز می خواستند مرا بکشند که فرار کردم.»

اما وقتی خسرو ناباوری را در چشمان ماموران دید و با مدارک غیرقابل انکار مواجه شد، چاره را در اعتراف دید: «من و مهناز نامزد بودیم و قرار بود صبح با هم لباس بخریم اما یک‌دفعه بحث‌مان سر خواستگار سمجش بالا گرفت و به مادرم فحاشی‌کرد. من‌که روی مادرم حساس بودم، گلوی مهناز را فشار دادم و چند ثانیه بعد متوجه شدم او نفس نمی‌کشد. هرکاری بلد بودم، انجام دادم اما مهناز برنگشت. به خانه‌ام در ایوانکی سمنان رفتم و با چاقویی بدنش را تکه‌تکه کرده و در نقاط مختلف تهران پخش‌کردم.»



با اعترافات صریح متهم، گزارش پزشکی قانونی و پلیس و بازسازی صحنه جرم، پرونده تکمیل و برای خسرو به اتهام قتل عمد و جنایت بر میت کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در دادگاه، مادر مقتول گریه‌کنان به جایگاه رفت و گفت: « ما فکر می‌کردیم خسرو دختر ما را خوشبخت می‌کند اما او را کشت. ما درخواست قصاص داریم.»

خسرو در حالی‌که سرش را بلند نمی‌کرد به جایگاه رفت و گفت:« من مهناز را دوست داشتم اما او و خانواده‌اش موضوع مزاحمت خواستگار را از من پنهان کرده بودند. آن روز بحث‌مان بالا گرفت و باعث مرگ مهناز شد. باور کنید چند ثانیه بعد پشیمان شدم و به او التماس کردم که به‌هوش بیاید اما کار از کار گذشته بود. می‌خواستم موضوع را به خانواده‌اش بگویم اما ترسیدم و برای این‌که گیر نیفتم او را مثله‌کردم. حالا هم زندگی‌ام نابود شد و شرمنده خانواده‌اش شدم. از آنها می‌خواهم مرا مثل پسرشان ببینند و از گناهم بگذرند.»

با اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و بر اساس مستندات و مدارک موجود در پرونده، وی را به قصاص با دریافت تفاضل دیه و به خاطر جنایت بر میت به ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت ۲۰ صدم کامل دیه محکوم‌کردند. با تایید حکم از سوی دیوان عالی‌کشور، پرونده به اجرای احکام رفت و در حالی‌که متهم در یک قدمی چوبه دار قرارگرفته بود، توانست رضایت اولیای دم را جلب‌کند و وی بار دیگر از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

در این جلسه متهم با تکرار اظهاراتش در مراحل بازجویی و نخستین جلسه دادگاه از قضات خواست در حد امکان در مجازاتش تخفیف قائل شوند. پس از آن قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و وی را به ۱۰ سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق و ۲۰ صدم دیه کامل محکوم کردند.

سندکمپانی و برگ سبز **سایپا 131SE** مدل ۹۴ به‌شماره موتور **5501479** شماره شاسی **NAS411100F1186031** شماره انتظامی **۹۱ - ۷۲۹ ج ۲۹** به‌نام **بهنام مرادزاده جناقرد** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پلاک موتور **هوندا 125** به رنگ **قرمز گوجه‌ای** مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۶۵۶۲۹ **ایران/۸۱۳** به شماره موتور **156FMI*1000922** و شماره شاسی **N2D***125E9002475** به‌نام **محسن عبدالعلی شاهرخ آبادی** با کد ملی **۲۹۹۴۱۸۸۶۶۱** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) **پراید جی تی ایکس آی** مدل ۸۷ به‌شماره موتور **2286605** شماره شاسی **S1412287431092** شماره انتظامی **۹۱ - ۹۲۸ د ۷۳** به‌نام **میر مهدی حسینی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندکمپانی و برگ سبز **ب ام و X4 28I XDRIVE** مدل **۲۰۱۷** به‌شماره موتور **N20B20AA0631612** شماره شاسی **WBAXW3103H0T94387** شماره انتظامی **۹۱ - ۸۶۲ ب ۱۵** به‌نام **پونه احسانی مقدم** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری **ریو ال اس۱۵۰۰** مدل ۱۳۸۸ به رنگ **سبز زیتونی متالیک** شماره انتظامی **ایران ۱۳-۶۹۲ ن ۶۵** شماره موتور **1062629** شماره شاسی **NAS610022911165005** به مالکیت **مسیح اله سامع** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری **HAIMA هاچ بک** مدل ۱۳۹۶ به رنگ **سفید** به شماره پلاک **۸۷۲ق۹۹-ایران ۴۵** به شماره موتور **484QA73001058G** و شماره شاسی **NAAD19XZ5HY676743** به‌نام **مریم‌ثمره‌مظهری‌آزاد** با کد ملی **۶۰۷۹۹۲۵۱۵۱** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

جواز تاسیس **بازیافت مواد پلاستیک، تولید پرک** متعلق به **حسین امرالهی** به شماره **۱۰۲۶۱۴** مورخ **۱۳۹۹/۱۱/۲۰** در تاریخ **۱۴۰۱/۱۲/۰۱** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

کارت ماشین **پیکان 1600 i** مدل **۸۳** به‌شماره موتور **11283025369** شماره شاسی **83415582** شماره انتظامی **۹۱ - ۷۹۵ ج ۶۲** به‌نام **علی فرجی آقجه کندی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.